(تأملی در صور خیال غزلیات قیصر امین پور) چون پر پروانه

پویان، مجید

کلیات

کوشش امین‏پور برای دستیابی به زبانی ساده و پیراسته،بر کیفیّت استفادهء او از صور خیال تأثیر می‏گذارد.وی به خوبی‏ امکانات و ظرفیّتهای زبان را در تصویر آفرینی می‏شناسد و از این امکانات استفادهء شایانی می‏کند.در بیساری از سروده‏های‏ امین‏پور سادگی زبان و تصاویر خیال چنان است که گویی صور خیال شعر مانند جویباری زلال در بستر زبان پیراسته شاعر جاری می‏شوند و بی‏آنکه نمودی خاص و هیاهویی کاذب،که‏ به انحراف ذهن مخاطب یبانجامد،خواننده را از ارتباطی‏ صمیمی و سیّال با شعر بی‏نصیب نمی‏گذارند:

غضهای کال من چرا چنین؟/گریه‏های لال من چرا چنین/ جزرو مدّ بال آبی‏ام چه شد؟/اهتزار بال من چرا چنین؟/رنگ‏ بالهای خواب من پرید/خامی خیال من چرا چنین؟/خشک‏ و خالی و پریده لب دلم!/کاسهء سفال من چرا چنین؟

امین‏پور در مجموعه شعر تنفس صبح چون دیگر شاعران دههء نخستین انقلاب اسلامی،عمدتا شاعری تصویرگر است و بی‏مهابا در تصویر آفرینی از اصطلاحات و تعبیرات رایج زبان‏ شعر معمول و متناسب با فضای فرهنگی انقلاب و جنگ‏ تحمیلی بهره می‏گیرد؛از این‏رو تصاویر رایج و مکررّ که در غزلهای حماسی او نمود بیشتری دارد،به حوزهء صور خیال‏ شعرش راه می‏یابد؛تصاویری که گه‏گاه رنگی از شعار مداری‏ سروده‏های پر شور دهه 60 را نیز به خود می‏گیرد:

کو عمر خضر رو طلب مرگ سرخ کن/کاین شیوه جاودانه‏ترین‏ طرز بودن است‏2

@تو بردی ز من گوی در عشقبازی/ ول باختم من!چه نردی چه نردی!

گذشتن ز سر سر گذشتی است خونین/ دلاکی تو این ره به زردی نوردی‏4؟!

@بر سینهء خصم در شب فتح/صد پرچم‏ خونفشان فشاندند

زآن وادی بی‏نشانه آن شب/یک یک‏ همه را به نام خواندند

ماندند به عهد خویش و رفتند/رفتند ولی

@امین‏پور در مجموعه شعر تنفس صبح چون دیگر شاعران‏ دههء نخستین انقلاب اسلامی، عمدتا شعری تصویرگراست و بی‏مهابا در تصویر آفرینی از اصطلاحات و تعبیرات رایج زبان‏ شعر معمول و متناسب با فضای‏ فرهنگی انقلاب و جنگ تحمیلی‏ بهره می‏گیرد

همیشه ماندند5

در مجموعه شعر تنفس صبح شاعر بین تصویرگرایی و تصویرگریزی مردّد است خواننده شعر او گاهی زبانی پیراسته‏ از تصویر داردو گاهی نیز در گره خوردگی با نازک اندیشهای‏ شاعرانه فضایی سرشار از ازدحام و تراکم ایماژها را به مخاطب‏ القا می‏کند.چنانکه در بیت زیر کلافی از تصاویر حضور دارد: موسی تبار مرد شبان شولا/در گرگ و میش آتش و دود آمد یا غزل زیر فضایی کاملا تصویری را ارائه می‏کند:

باران گرفت نیزه و قصد مصاف کرد/ آتش نشست و خنجر خود را غلاف کرد

گویی که آسمان سرنطقی فصیح داشت/ با رعد سرفه‏های‏ گران سینه صاف کرد5...

در تنفس صبح زمینهء اجتماعی تصاویر خیال را عواطف فردی‏ شاعر نسبت به حوادث انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و تبعات نسبت به حوادث انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و تبعات آن تشکیل می‏دهد.زمینهء عاطفی این بخش از سروده‏های امین‏پور را احساسات و عواطف این بخش از با عواطف جمعی گره می‏خورد و در نتیجه حوزهء مخاطبان‏ شعرش را گسترش می‏دهد؛چنانکه در ابیات زیر بیان خطابی، اما دردمندانهء شاعر به رزمندگان اسلام و شهدای جنگ تحمیلی‏ نشان از زمینهء عاطفی قوی شعر و تصاویر شعری امین‏پور دارد:

شب عبور شما را شهاب لازم نیست/ که با حضور شما آفتاب‏ لازم نیست

در این چمن که زگلهای برگزیده پر است/ برای چیدن گل‏ انتخاب لازم نیست

زبس که گریه نکردم غرور بغض شکست/ برای غسل دل‏ مرده آب لازم نیست‏6

@

بیا به خانهء آلاله‏ها سری بزنیم/ زداغ با دل خود حرف دیگری بزنیم

به یک بنفشه صمیمانه تسلیت گوییم/ سری به مجلس سوگ کبوتری بزنیم.

زمینهء اجتماعی و عاطفی صور خیال شعر امین‏پور،در دفتر شعر آینه‏های ناگهان‏ به گونه‏ای حدیث نفس و بث الشکوی‏ که گاهی در فضایی اعتراض‏آمیز و خشمگنانه بیان می‏گردد،دگرگون می‏شود. اضطراب،نگرانی،خشم و رنج فرو خوردهء شاعر را به راحتی می‏توان از صفحات‏ هنری شعر او در آینه‏های ناگهان دریافت:

چون گلدان خالی لب پنجره/ پر از خاطرات‏ ترک خورده‏ایم

بغضهای کال من چرا چنین؟ گریه‏های‏ لال من چرا چنین؟!

و در حقیقت زمینهء اجتماعی فضای‏ تصویری بعضی از سروده‏های امین‏پور در آینه‏های ناگهان سیر منطقی و در واقع‏ هنرمندانه‏تر برخی سروده‏های وی در تنفس صبح است؛چنانکه غزلی به مطلع: عمری به جز بیهوده بودن سر نکردیم،تقویمها گفتند و ما باور نکردیم‏10

در آینه‏های ناگهان به شکلی هنرمندانه‏تر و به دور از شعارزدگی‏ در سروده‏های به زیر به منصّه ظهور می‏رسد:

چشمها پرسش بی‏پاسخ حیرانیها/ دستها تشنهء تقسیم فراوانیها11

@

در سایهء این سقف ترک خورده نشستیم/ بی‏حوصله و خسته‏ و افسرده نشستیم‏12

@در تنفس صبح زمینهء اجتماعی‏ تصاویر خیال را عواطف فردی‏ شاعر نسبت به حوادث انقلاب‏ اسلامی و جنگ تحمیلی و تبعات‏ آن تشکیل می‏دهد.زمینهء عاطفی‏ این بخش از سروده‏های امین‏پور را احساسات و عاطفی‏ در برمی‏گیرد که با عواطف جمعی‏ گره می‏خورد و در نتیجه حوزهء مخاطبان شعرش را گسترش‏ می‏دهد

@

شاخه‏های تن به تقاضای شکستن دادند/ برگها یک به یک از شاخه به خاک‏ افتادند13

در آینه‏های ناگهان صور خیال جنبهء اصالی خود را نزد شاعر از دست می‏دهند و هر گاه در زنجیرهء گفتار شاعر ظاهر می‏شوند،زمینهء عاطفی و اجتماعی شعر را گسترش می‏دهند.در این مجموعه‏ از بیان خطابی و صریح شاعر در دفتر شعر تنفس صبح کاسته می‏شود و تشخیصهای خطابی هنرمندانه‏ای‏ جایگزین تشخصیهای خطابی ساده‏ای چون؛ای دل،دلا و... می‏گردد.همچنین بیان حماسی شاعر در تنفس صبح به‏ گونه‏ای حکایت نفس و بث الشکوی دگرگونه می‏شود و از این رهگذر نوعی نگاه درونگرایانه بر فضای تصاویر خیال‏ حاکم می‏گردد:

گرفته‏تر از خزان دلم خزانی نیست/ ستاره بارتر از چشمم‏ آسمانی نیست

به حجم تنگدلیهای آفتابی من/ مدار حوصلهء هیچ کهکشانی‏ نیست

مرا که شانه‏ام از حمل آفتاب خم است/ به جز پناه دو دست تو سایبانی نیست‏14

در آینه‏های ناگهانی شاعر نگاهی هنری‏ و از سر تأمل به کارکرد صور خیال دارد. وی می‏کوشد تا فضای تصویری شعرش‏ با زمینهء زبانی و عاطفی آن هماهنگ‏ باشد،از اینجاست که در این مجموعه‏ تناسب تصاویر در محور عمودی خیال و هماهنگی ایماژهای‏ شاعرانه با زمینهء عاطفی شعر به حدّ کمال است:

ناودانها شرشر باران بی‏صبری است/ آسمان بی‏حوصله حجم‏ هوا ابری است

کفشهایی منتظر در چارچوب در/ کوله باری مختصر لبریز بی‏صبری است‏15

امین‏پور در آینه‏های ناگهان تلاش می‏کند تا هر چه بیشتر عناصری را که موجب تزاحم تصویری یا ثقل زبان شعر می‏گردد، از فضای تصویری شعر بکاهد و از این‏رو می‏بینیم که شاعر در این دفتر از اصطلاحات علوم(حجم،ارتفاع،منطق،بلاغت، شعاع و...)و اساطیر در تصویر آفرینی استفادهء کمتری می‏کند و بر خلاف دفتر شعر تنفس صبح بیش از آنکه اساس تصویر آفرینی را بر شبکهء تداعی و تناسبات درونی واژگان و اسناد کلمات به یکدیگر قرار دهد،زمینهء کلام را برای آفرینش تصویر مهیّا می‏کند و در نتیجه در آینه‏های ناگهان غلبه با تصاویر گسترده است نه تصاویر فشرده(مانند:شعاع درد،مساحت‏ رنج،دست تسلّی،که اساس‏شان بر هم نشینی و اسناد واژگان‏ به یکدیگر است.

در آینه‏های ناگهان شاعر به صورت چشمگیری از اغراقهای‏ شاعرانه و بیان پارادوکسی بهره می‏گیرد و کمتر تصویری است‏ که با بیانی اغراق‏آمیز و پارادوکسی تلفیق نشده باشد.این‏ رویکرد شاعر به استفادهء همزمان از چند گونه تصویر،فقر تصویری برخی سروده‏های وی در تنفس صبح را می‏کاهد:

ناگهان دیدم سرم آتش گرفت/ سوختم!خاکسترم آتش گرفت

حرفی از نام تو آمد بر زبان/ دستهایم دفترم آتش گرفت‏16

@

این جزر و مد چیست که تا ماه می‏رود!/ دریای درد کیست که‏ در چاه می‏رود؟

آبستن عزای عظیمی است،کاین چنین/ آسیمه سر نسیم‏ سحرگاه می‏رود17

بیان کنایی و طنزآمیز امین‏پور که در تنفس صبح چندان آشکار نیست،در آینه‏های ناگهان به اوج می‏رسد و اساس آفرینش‏ بسیاری از پارادوکسهای شعر او می‏گردد:

ساده بودن عادتی مشکل نبود/ سختی نان بود و باقی ساده‏ بود!18

@امین‏پور در آینه‏های ناگهان‏ تلاش می‏کند تا هر چه بیشتر عناصری را که موجب تزاحم‏ تصویری یا ثقل زبان شعر می‏گردد،از فضای تصویری‏ شعر بکاهد

بس که خمیازهء فریاد کشیدم عمری است/ خوابهایم همه کابوس همه فریادند!19

امین‏پور در آینه‏های ناگهان هنوز به‏ درونمایه‏ها و شگردهای تصویر آفرینی شاعران‏ سبک هندی دلبستگی نشان می‏دهد%

آبگینه تاب حیرتم نداشت/ حیرت زلال من‏ چرا چنین؟20

خوشا محو تکرار تصویرها/ گذشتن زایوانی از آینه

همه غرق حیرت زدیدار خویش/ در امواج طوفانی از آینه

زباعی که آیینه کاری شده است/ بچینیم دامانی از آینه‏21

در مجموعه شعر تنفس صبح عناصر و اصطلاحات شعر کلاسیک در ساختار صور خیال حضور چشمگیری دارند و شاعر هنوز به زبان خاصی که در دفتر شعر آینه‏های ناگهان تثبیت‏ می‏گردد و یکی از شاخصهای سبکی شعر او می‏شود،دست‏ نیافته است:

از خار راه و ظلمت وادی غمین مباش/ خضر است در طریق‏ طلب رهنمای ما

درد او حسرتا که زبیگانه هم ربود22/ در این میانه گوی ستم‏ آشنای ما

@

جمله زبان و بی‏سخن سوز چو شمع و دم نزن/ جز به درون خویشتن شمع سفر نمی‏کند

سوخت زعشقش این جگر نیست مرا زخود خبر/ آهن و آتشم دگر هیچ اثر نمی‏کند23

پی‏نوشتها

1-امین‏پور،قیصر:آینه‏های ناگهان،تهران:افق،چاپ دوم،1375،صص‏ 98-99

2-امین‏پور،قیصر:تنفس صبح،تهران:حوزهء هنری،چاپ اول،1363،ص‏ 95

3-امین‏پور،قیصر:همان،ص 78

4-همان،ص 92

5-همان،ص 83

6-همن،ص 81،82

7-همان،ص 121

8-امین‏پور،قیصر،آینه‏های ناگهان،ص 100

9-امین‏پور،قیصر:همان،98

10-امین‏پور،قیصر:تنفس صبح،ص 97

11-امین‏پور،قیصر:آینه‏های ناگهان،ص 153

12-همان،ص 85

13-همان،ص 91

14-همان،صص 143-144

15-همان،صص 155-156

16-همان،صص 81-82

17-همان،ص 101

18-همان،ص 80

19-همان،ص 94

20-همان،ص 98

21-همان،صص 147-148

22-تنفس صبح،ص 95

23-همان،ص 89